

التماس سید علی

مرد غرقه گشته جانی میکند

دست خود بر هر گیاهی میزند

امیر فیض- حقوقدان

«یک جبهه وسیع دشمن در مقابل خود داریم و میخواهم حتی کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ و اعتبار ایران هم که شده در انتخابات پیش رو شرکت کنند»
سید علی



یکی از مواقعی که انسان ها کنترل فکری و حتی زبانی خود را از دست میدهند اضطراب و وحشت از پایان زندگی است، و این همان است که گفته میشود غریق به هر چه دم دست دارد متوسل میشود که نجات یابد. در چنین حالتی انسان، متوجه نیست که چه میگوید و چه اعتراف و یا تعهدی میکند، چون عقل و فکر کنترلی بر زبان و اعضای بدن ندارند.

حالت فوق الذکر کاملاً در اظهارات سید علی خودنماست و چون غریقی، به هر چه خیال میکند ممکن است موجب نجات او بشود چنگ میزند، و اینجاست که به نام ایران پناه آورده و از ایرانیان میخواهد که به خاطر ایران در انتخابات شرکت کنند.

مفهوم التماس سید علی این است که بخاطر ایران در انتخابات شرکت کنید و به کاندید های شورای نگهبان رای دهید تا نظام غاصب غارتگر عرب صفت، همچنان بر ایران مسلط بماند و ایران ستیزان حاکم غاصب، تحت نام ایران و به حمایت رای میهن پرستان به غصب هویت ایران و سرزمین ایرانیان ادامه دهند و چپاول کنند و بدزدند از آنچه تاکنون از دستبرد آنها مصون مانده است.

التماس سید علی در کادر حقوق اسلامی

قران و توصیه معلمان اسلامی و تشیع بر این است که «با کسانی که اثر سوء در بُعد باورهای اعتقادی شما دارند رفاقت نکن و آنها را برای دوستی انتخاب نکن» آیه اول سوره ممتحنه بر مسلمانان تکلیف ساخته که نباید با دشمن دوست خود دوستی گرفت.^۱

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکّه] بیرون می‌کنند که [چرا] به خدا پروردگارتان ایمان آورده‌اید اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید دانانترم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه درست منحرف گردیده است (۱) آیه ممتحنه - ح-ک

مفسرین اسلامی عقیده دارند که بنیاد همکاری و دوستی مبتنی بر دوپایه است یکی پایه مادی و دیگری پایه اعتقادی است. پایه مادی آن است که روابط اجتماعی مردم را با هراعتقادی شکل میدهد؛ ولی همکاری اصولی و پیوند ماهوی بین افراد جامعه نیاز به هماهنگی اعتقاد دارد و آنها مدعی اند که وحدت مسلمانان در جهان به اعتبار اعتقاد هماهنگ آنها به پیامبر است.

فلاسفه هم در مورد اعتقاد مشترک و هماهنگ نظرات مختلفی ابراز داشته اند که معروفترین آنها همان طبقه بندی دوستان است که میگویند؛ دشمنان سه دسته هستند یکی دشمنان، یکی دوستان دشمنان، و سومی دشمنان دوستان و آنها تمیز عقل را بر این توصیه مقرر ساخته اند:

دشمنی که افتاد در لگد کوب. قهر باید گرفت تا بر نخیزد (مروان نامه)

ایران در التماس نامه سید علی

بار و سنگینی التماس سید علی متوجه ایران است یعنی اعتبار ایران و عشق به میهن و گرامی داشت سرزمین اهورائی را هدف گرفته تا شاید بتواند پلیدی ها و نفرت های عمیق ایرانیان را از جمهوری اسلامی در سایه نام ایران، پوششی فریب زا برای شرکت در انتخابات بدهد.

در التماس نامه سید علی یک درخشندگی و بازتابی بسیار جدید دیده میشود و آن این است که او به این حقیقت رسیده است که مردم برای اسلام تره هم خورد نمیکنند و الا میگفت به خاطر حفظ اعتبار اسلام در انتخابات شرکت کنید عبارتی که سالها تکیه کلام خمینی و همین سید علی بوده است.

اعتبار و حیثیت ایران

اعتبار و حیثیت کشورها را هیئت حاکمه آن کشورها حراست میکنند. شرط نخست برای حراست هیئت حاکمه کشورها از اعتبار و حیثیت کشور باور داشتن به لزوم اعتبار برای کشور است، و همین شرط ناظر بر مردم هم هست یعنی مردم دنبال اعتبار و حیثیت چیزی هستند که آن چیز وجود داشته باشد، و چیزی که وجود نداشته و یا عدمش به ز وجود است، چیزی نیست که کسی به دنبال اعتبار و حیثیت آن باشد.

جمهوری اسلامی و اساسا فلسفه اسلام اعتبار و حیثیتی برای میهن اهورایی ایران قائل نیست و آن اعتبار و حیثیتی که ما برای کشور و ایران قائلیم آنها برای اسلام قائلند.

در معادله واقعی که عدم وجود ایران و مراتب وابسته به آن مانند هویت ایرانی، ملیت ایرانی،

فرهنگ ایرانی، و ملت ایران (رکن معلوم معادله) مفقود وی وجود است، چگونه ممکن است مسئله

عزت و اعتبار و حیثیت چیزی که وجود عینی و فلسفی ندارد بشتوانه التماس سید علی قرار گیرد،

پاسخ آن روشن است <الغریق یتشت به کل حشیش>

دلایل اثبات معادله بالا

ماهیت هر حکومتی از فلسفه و افکار رهبران آن حکومت و نظام شکل میگیرد. حکومت‌هایی که از بطن شورش و انقلاب بوجود می‌آیند افکار و عقاید رهبران انقلابی است که بعداً اساس حقوقی آن نظام میگردد.

> ماباید این اشخاص و گروه‌هایی را که در مسیر اسلام و نهضت اسلامی نیستند از مقالاتشان و گفتار و کردارشان بشناسیم <
(خمینی قم ۳۰ مهرماه ۱۳۵۸)

اکنون از آن قاعده عام برای حل معادله بالا یعنی نقش ایران در التماس نامه سید علی استفاده میشود.

☆ خمینی رهبر شورش ۵۷ که قائمه و فلسفه سیاسی و مذهبی شورش ۵۷ بافته و تنیده از افکار و عقاید اوست و موضوع مزبور یکی از افتخارات و سنگ‌های مستحکم جمهوری اسلامی است درباره موجودیت ایران و رابطه آن با اسلام چنین ابراز عقیده کرده است:

> ما ایران راستایش نمیکنیم ما خدایا ستایش و عبادت میکنیم. چرا که میهن پرستی نام دیگری است برای الحاد. من میگویم بگذارید تا این سرزمین بسوزد. من میگویم تا این سرزمین ناپدید شود در صورتی که اسلام فاتحانه در باقی جهان پدیدار خواهد شد <

(ایران در سال ۱۹۸۹ توسط امیر طاهری - به نقل از لانه جاسوسی)

☆ **وقتی در حکومت اسلامی غاصب ایران میهن پرستی الحاد و کفر و مقابله با خدا شناخته میشود چطور میتوان از دوستداران ایران خواست که به تداوم چنین رژیمی رای بدهند؟** معنای این درخواست رای به الحاد و شرک و ترک خداست نه چیز دیگری.

☆ **آرزوی سوختن و ناپدید شدن ایران را در اظهارات ابلیس کبیر کوچک نگیرید، از هیچ ایرانی و یا خارجی و حتی مغولان چنین عبارتی دیده نشده است؛ تنها فقط مایکل لدین آمریکایی اسرائیلی بود که گفت باید ایران را به سرزمین سوخته تبدیل کرد و او هم که بعداً متوجه تاثیر این حرف شد آنرا بفال شوخی گرفت.**

این دقت بجاست که خمینی عالمگیری و موفقیت اسلام را منوط به سوختن و نابودی ایران دانسته است آنهم در این حد که حذف عملی ایران از اسباب موجودیت اسلام میگردد یعنی تا ایران نسوخته و نابود نشده اسلام نمیتواند به حیات خود ادامه دهد.

در تطبیق مورد، اکنون که جمهوری اسلامی میخواهد اسلام (شیعه) را جهانگیر کند ایران نباید وجود داشته باشد.

چیزی که نباید وجود داشته باشد و نابودی و سوختن آن شرط حرکت اسلامی است چه جانی برای اعتبار و حیثیت ایران وجود دارد.

☆ **اساساً خمینی منکر وجود سرزمینی بنام ایران بود و گفته است ما سرزمینی بنام ایران نمیشناسیم.**

چیزی که در فلسفه حاکم بر جمهوری اسلامی وجود ندارد چگونه ممکن است برایش ایجاد اعتبار کرد.

✓ **> این حسابهایی که پیش مردم مادی مطرح است که ما ایرانی هستیم و برای ایران چه باید بکنیم، این حسابها درست نیست این قضیه ای که شاید صحبتش همه جا هست که به ملت و ملیت کارداشته باشید، این یک امر بی اساس است در اسلام بلکه متضاد است با اسلام.**

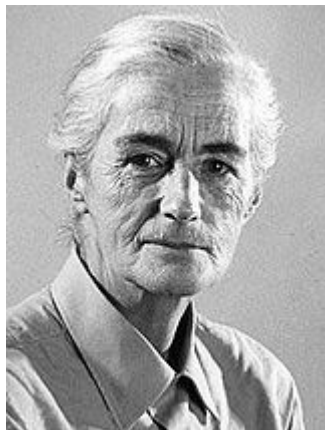
(خمینی در ملاقات با خانواده موسی صدر = گرفته شده از توضیح المسائل)

کاملاً اظهارات خمینی درست و منطبق با حقوق و فلسفه اسلامی است و مسلمان تکلیفش خدمت به ایران و یا سرزمین محل اقامت خود نیست، تکلیفش متوجه برآزندگی و اجرای اسلام است و همانطور که خمینی گفته است ملت و ملیت و توابع آن که فرهنگ و سنت ایرانی است متضاد با اسلام است.

در این صورت مردمی که خود را ایرانی میدانند و جان و مالشان را از آن ایران میدانند و خود را جزئی از

ملت و ملیت و فرهنگ ایرانی میشناسند و با شعار **<چو ایران نباشتن من مباد>** بزرگ شده اند چگونه

ممکن است ابزار موفقیت حکومتی بشوند که بقای آن حکومت با اعتقاد عمیق آنان به ایران و ملت و ملیت و فرهنگ متضاد است.



خانم میس آن لمبتون یکی از جاسوسان انگلیسی اسلام شناس معروف گفته است <انگیزهای اصلی زنده ماندن فرهنگ و هویت ایرانی سه چیز است زبان فارسی - پایبندی های اخلاقی و میهن پرستی ایرانیان؛ و ایران بدون این سه چیز توانایی ادامه حیات نخواهد داشت.>

هر سه رکن بقای تمدن ایران یعنی زبان فارسی و پایبندی اخلاقی (هویت ملی) و خصلت میهن پرستی در فلسفه جمهوری اسلامی مذموم و اسلام مقابل آن قرار گرفته است.

انسانهایی که در دامان میهن بزرگ شده اند و میهن را مادر مینامند چگونه میتوان انتظار داشت که با دشمنان قسم خورده ایران هماهنگی فکری و اعتقادی داشته باشند و برای بقدرت رساندن آنها شرافت ملی و میهنی خود را تباہ سازند.

✓ **از بین اظهارات بسیار روح الله خمینی در ضدیت با ایران و وطن پرستی و ملت و ملی گرائی و هویت ایران بقدر کافی منتشر شده است و مجموعه ای هم به همت شادروان شجاع الدین شفا در کتاب توضیح المسائل درج میباشد که این تحریر بر رعایت اختصار از رجوع به کل آنها متعذرگشت و تنهابه نمونه ای از اظهارات روح الله خمینی تدوین شده از سوی امیر طاهری و یک مورد از یادداشتهای شادروان شفا استناد شد.**

^۲ - Ann Katharine Swynford Lambton (۸ فوریه ۱۹۱۲ - ۱۹ جولای ۲۰۰۸) وی نقش برجسته ای در جاسوس و همدستی با محمد مصدق داشت. پس از ملی شدن اصطلاحی نفت توسط مصدق در سال ۱۹۵۱ او به دولت انگلیس توصیه کرد تا مصدق حذف شود. او پیشنهاد کرده بود تا هییتی از دانشگاه آکسفورد به ایران برود ولی در ظاهر در پشت سیرت پنهان نقش سرنگون کننده مصدق را ایفا کند. ولی اتفاق هایی که رخ داد موفق نشد آن هیات را به ایران بیاورد و مردم از نگرانی افتادن به دست حزب توده و دیکتاتوری پرولتاریا خودجوش با ارتش مصدق را سرنگون کردند. ح-ک

✓ برای اثبات اینکه استمرار سیاست ضد ایرانی جمهوری اسلامی از زمان روح الله خمینی تا به امروز تغییر محسوسی نکرده است به اظهارات همین سید علی که به جایگاه خمینی تکیه زده است نگاه میکنیم.

«امروز در سطح جهان تنها جامعه اسلامی ما ممتاز به رهبری و سرافراز به وجود امام و رهبر است آنهم رهبری که ملاک رهبری او با هیچ ملاکی جز ملاک پیامبران الهی قابل مقایسه نیست».

یعنی نفرت و انزجار خمینی نسبت به ایران آنهم در حد نابودی، اقتباس از سیره پیامبران است.

یعنی اظهارات خمینی سنتی است برابر اظهارات پیامبران الهی و همانطور که سنت پیامبران قابل تغییر نیست آرزوی سوزندان ایران و ناپدید شدن آن هم آرزوی ابدی پیامبران است که مسلمانان ایران مقید به اجرای آن میباشند و فعلا سید علی ماموریت تحقق آنرا دارد.

تشریح میدان انتخابات

ممکن است خواننده های این تحریر مترصد این توهم گردند که التماس سید علی متوجه شرکت ایرانیان وطن پرست در انتخابات و دادن رای به گروهی است که مخالف سید علی و پیروان اوست.

توهم است، زیرا کسانی میتوانند در انتخابات شرکت کنند که به جمهوری اسلامی وفادار شناخته شوند.

وفاداری به جمهوری اسلامی متضمن وفاداری به فلسفه اسلامی تشیع و بیعت با خمینی و فتاوی او و ادامه آن با رهبری جانشین اوست بنابراین کاندیدای انتخابات طویله اسلامی نمیتواند از خواست های خمینی و آرزوهای اونسبت به نابودی و فتنای ایران و بی اعتبار دانستن ایران و هویت و ملیت ایرانی برکنار باشد.

ماهیت التماس شرکت در انتخابات

این تحریر مدعی اثبات این مهم است که هر کس در انتخابات جمهوری اسلامی شرکت کند اعم از اینکه کاندید طویله اسلامی باشد و یا انتخاب کننده، در میدان دشمنی و بی اعتبار ساختن ایران و ملیت و هویت ایرانی قرار گرفته است و ایرانی حقیقی در انتخابات رژیم غاصب هویت و فرهنگ ایرانی و دشمن ایران مشارکت نمیکند و در قاعده دوستی ایرانی میهن پرست نمیتواند با دشمن میهن سازگاری داشته باشد.

